

عنوان مقاله:

تحلیل انتقادی تلقی اقبال لاهوری از فلسفه ی اسلامی

محل انتشار:

دوفصلنامه حکمت اسرا، دوره 12، شماره 1 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 29

نویسندگان:

برکت الله - دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه

حمیدرضا رضانیا - عضو هیئت علمی، جامعه المصطفی العالمیه

خلاصه مقاله:

محمد اقبال لاهوری، از متفکران شبه قاره هند و تاثیرگذار بر نحله های مختلف فکری است.، او گرچه اندیشه های بدیع مختلفی داشت لیکن تفکر وی بیشتر با «پروژه تجدید بنای دینی در اسلام» شناخته می شود. تحقیق حاضر در پی واکاوی تلقی اقبال از فلسفه ی اسلامی با روش تحلیلی- انتقادی است. با بررسی آثار منشور و منظوم اقبال، به این نتیجه می رسیم که وی هیچ گاه ماهیت فلسفه ی اسلامی را درست نشناخته و توضیح کاملی نداده است؛ بلکه وقتی از فلسفه ی اسلامی سخنی به میان می آورد یا منظورش بحث عقل به معنای عام است، یا به دانش تجربی و گاهی به شخصیت های فلسفی اشاره می کند؛ از طرفی اقبال در دوره های مختلف زندگی اش تلقی های مختلفی از فلسفه اسلامی ارائه داده است و سرانجام بعد از طرح پروژه تجدید بنای دینی، فلسفه اسلامی را یونانی مآبی و متأثر از آن تلقی کرده است. اقبال، سنت فلسفی در جهان اسلام را در بهترین حالت نیمه راه رسیدن به حقیقت می داند. این تلقی با اشکالات جدی مانند عدم تعریف منطقی فلسفه ی اسلامی، عدم توجه به نحوه ورود فلسفه در جهان اسلام و میراث فارابی، عدم توجه به جنبه های مفید و مثبت فلسفه در اسلام، ترجیح غیر منطقی و گاه خطر آفرین تفکرات رقیب بر فلسفه و یکسان دانستن تلقی همه فلاسفه اسلامی نسبت به یونان، مواجه است.

کلمات کلیدی:

فلسفه اسلامی، عقلانیت، استقراء یونانی مآبی، اقبال لاهوری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1394120>

